

امّ کلثوم، دختر آفتاب

شرح زندگانی شریف حضرت امّ کلثوم رضی اللہ عنہا دختر دردانه
حضرت زهرا رضی اللہ عنہا و امیر المؤمنین علیه السلام

تدوین:

راحله شاهمرادی زاده

با مقدمه و تصحیح استاد گرامی و دانشمند فاضل:
حجة الاسلام و المسلمین قربانعلی محمدی مقدم

سرشناسه : شاه مرادی زاده، راحله، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدید آور : ام کلثوم: شرح زندگانی شریف حضرت ام کلثوم دختر دردقہ
حضرت زهرا علیہا السلام و امیر المؤمنین علیه السلام / تدوین راحله شاه مرادی زاده

مشخصات نشر : مشهد، کتاب شفاء، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۱۶ ص.

شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۷۵۵ - ۰۳ - ۹

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : واژه نامه.

موضوع : ام کلثوم علیہا السلام بنت علی علیه السلام، - ۴ شق.

رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ / ۵۲ الف / BP۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۷۲۰۱۲



مشخصات کتاب:

نام کتاب	: ام کلثوم، دختر آفتاب
تدوین	: راحله شاه مرادی زاده
ویراستار علمی	: حجة الاسلام والمسلمین قربانعلی محمدی مقدم
ویراستار ادبی	: حمید رضا نویدی مهر (نگهبان)
ناشر	: انتشارات کتاب شفاء
نوبت و سال چاپ	: اول / ۱۳۹۰
تیراژ	: ۳۰۰۰ نسخه
قطع	: رقعی
چاپ	: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۷۵۵ - ۰۳ - ۹
قیمت	: ۱۸۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	سخنی با خوانندگان
۱۵	ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
۲۳	روضه رضوان
۴۷	راز گل بهشتی
۷۹	شقایق در باد
۸۹	کبوتران خونین بال و داغ شقایق
۱۲۹	عروج یک فرشته
۱۳۵	فهرست منابع

مقدمه

قال رسول الله ﷺ: فاطمة بضعة مني.

رسول خدا ﷺ فاطمه را پاره تن خویش نامید و به آن عزیز کنیه «أمّ آبها» بخشید که در این کنیه اسراری نهفته است و دانشمندان در تفسیر آن چندین تحلیل آورده‌اند، که مجال توضیح همه آنها نیست.

آری انسیه حوراء، بتول عذراء، فاطمه زهرا و ام‌آبها ﷺ عنصری بهشتی بود که در نمای سیب درختی و پس از چهل روز ریاضت سخت که رسول خدا ﷺ متحمل شده بود، به وی عطا نمودند، تا به صورت جوهر وجودی فاطمه در مکتب پیامبر ﷺ در آید و در شکل دختری زیبا از مادری به نام خدیجه کبری، اول مؤمنه به دین خدا بعد از رسول متولد گردد. و به اقتضای حکمت الهی در محدوده کوتاهی از زمان، در این ظلمتکده تاریک جهان با خانه زاد خدا، علی مرتضی شمس وجودشان فرین گردد، و از التقای این دو بحر مبارک مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿٥٥﴾^۱ گوهرهای بی‌بدیل امامت پدیدار گردد تا حجت‌های خدا در روی زمین بر انس و جن باشند.

و اگر مشکات نور خدا یعنی زهرا ﷺ نبود، که بستر تولد و حافظ چراغ پر فروغ نبوت گردد، عروج روح ملکوتی رسول اعظم ﷺ، به ملکوت اعلی، چراغ هدایت

خاموش و پرچم دین فروخته می‌شد، دیگر نه از تاج نشانی بود، و نه از تاج نشان، نشانی برجای می‌ماند.

مشکات وجود زهرا علیها السلام، هم دین خدا و هم رسول خدا صلی الله علیه و آله را با اذن خدا ماندگار کرد.

انسیه حورا سبب اصل اقامت اصلی که بی‌الید بدو نخل امامت

نخلی که ز تولید قدش، زاد قیامت گنجینه عرفان گهر بحر کرامت

در باغ نبی طوبی افراشته قامت

در ساحت بستان ولی، سر و لب جو

بالای مکان، فوق زمان، ذات ممجد کز نقص زمانی و مکانی است مجرد

فرزند نبی، جفت ولی، طاق مؤید طاق حرم عصمت او قصر مُشید

آن شافعه، کان رائحه کز خلد نخلد

جویند و نیابند، جز از خاک در او صفا

اولین ثمره وجودی زهرای اطهر، سبط اکبر زاده رسول، که بعدها به معنایی یعنی «برگزیده والا، ملقب گردید، در خلق و حلم و بردباری به منزله کوهی از صبر و استقامت ایفای نقش نمود، و گلستان ولایت علوی را حراست و حفاظت کرد، تا فرزندان پاک برادر بزرگوار، و نیز عمو زاد گانش، به بالندگی لازم برسند، و در فرصت مقتضی و زمان مناسب، تحت امر سیدالشهدا علیه السلام با نثار خون خویش، گرگهای در جلد میش رفته و دین بر اندازان منافق را گریبان گرفته، از زیر نقاب ریا و دروغ بیرون بکشد و رسوایشان سازد.

ثمره دوم زهرای اطهر سبط اصغر مصباح هدایت و سفینه نجات بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَ بِهِ كَرِبْلَا پَرچم هدایت برافراشت، و حماسه خونینی را رقم زد که ساکنان ناسوت و لاهوت و ملک و ملکوت را مات و مبهوت ساخت و تمامی آزادگان و آزادیخواهان را تا روز واپسین، واله و شیدای فتوت و جوانمردی خویش نمود.

ثمره سوم وجودی بتول عذرا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، زینب کبری و به ثمر رساننده قیام خونین عاشورا بود که پس از شهادت برادرش قافله سالار اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله شد.

معلمه غیر متعلمه‌ای که پایه‌های حکومت یزیدیان را متزلزل نمود، بر دروازه ورودی کوفه که مردم به تماشا ایستاده بودند، تا اسیران کربلا را ببینند، به ناگاه صدای علی را شنیدند که از حنجره زینب علیها السلام برآمد، و آنان را مخاطب قرار داده، تویخشان کرد و فرمود: «مردم کوفه! بر اهل بیت پیامبر خود گریه می‌کنید؟ نه، بر حال زار خویش گریه کنید، شما نباید مانند آن پیرزن بیچاره‌ای باشید، که رشته خود را پس از استوار ساختن، دوباره پنبه می‌کرد! یعنی شما پس از یاری کردن دین خدا و استواری آن دوباره بر تخریب دین دست یازیده‌اید. آری شما سزاوار گریه‌اید و باید این گریه برای شما امری دایمی باشد! زینب علیها السلام با خطابه آتشین چنان تحقیرشان کرد، که اگر اندکی غیرت، حمیت و تعصبی در وجودشان می‌بود، باید از غصه و سرافکندگی می‌مردند! چه پیش از این خطابه‌ها علی علیه السلام مردم کوفه را مرد گونه توصیف کرده و فرموده بود: «یا اشباه الرجال و لا الرجال». خطابه زینب علیها السلام در کوفه ولوله بر پا نموده شور و شعف و شادمانی را یکسره به غم و اندوه مبدل ساخت و دیکتاتور مستکبر را در کاخش به وحشت انداخت.

سراپنده‌ای، چه نیکو در خصال زینب علیها السلام سروده است:

زن مگو، مرد آفرین روزگار زن مگو، بنت الهدی اخت الوقار

زن مگو، دست خدا در آستین زن مگو، نقش خدایش برجبین

و چه می‌گوییم؟ که می‌تواند زینب علیها السلام را به که جمال خصال توصیف نماید؟

چهارمین ثمره وجودی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله زینب صغری است که بعدها به ام‌کلثوم شهرت یافت. دختر نازنین علی علیه السلام که به هنگام ارتحال مادر بزرگوارش، بیش از سه سال نداشت و بیش از همه قابل ترحم و عنایت ویژه پدر بزرگوارش بود. اما طوفان حوادث پی در پی، رحلت خاتم انبیا و پس از اندک زمانی شهادت مادرش و دیگر جزر و مدهای امور سیاسی، چنان زندگی این دخترک مظلومه و معصومه را تحت الشعاع قرار داد که اگر امروز از او ذکر نامی بر جای مانده است، باید تعجب کرد!

به همین دلیل، ابهامهایی در زندگی زینب صغری علیها السلام پیش آمده و موجب نقل اقوال مختلف دانشمندان و تذکره نویسان و تاریخ نگاران گردیده است. آنچه در این

عرصه تأمل برانگیز، بلکه شگفت‌آمیز به نظر می‌رسد، این است که برخی خواسته‌اند زندگی پاکیزه دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وجه المصلحه قرار دهند و او را همسر خلیفه دوم معرفی کنند، اما گرفتار تناقض گویی شده‌اند.

به علاوه، این داستان‌سازی و قصه پردازی تالی فاسدهایی هم به شرح زیر دارد که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم:

اولاً: بر فرض که این ازدواج صورت گرفته باشد، به تنهایی نمی‌تواند گذشته را جبران کند.

ثانیاً: آیا این شأن خلیفه سالخورده مسلمانان بوده که تقاضایی را مطرح کند و آنگاه که تقاضای او مبنی بر خواستگاری رد شود، به عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بگوید: برای این وصلت وساطت کن و گرنه وظیفه آب دادن به حاجیان را از تو می‌گیرم و عباس عموی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای این که شغل خود را از دست ندهد، نزد علی (علیه السلام) برود و از او بخواهد که بپذیرد دختر نابالغ خویش را به ازدواج خلیفه در آورد و علی (علیه السلام) از جهت دلسوزی به حال عموی خود، اختیار دخترش را به عباس بدهد و عباس بدون در نظر گرفتن مصلحت امّ کلثوم (علیه السلام) و صرفاً از جهت اینکه شغل خود را از دست ندهد، زمینه ازدواج را فراهم نماید؟!

آیا افسانه‌ای ساختنی‌تر از این می‌شود؟ آنچه بر شمرده شد، محتوای یک بخش از روایتی بود که در این زمینه آورده شده است.

اما مضحک‌تر از این دسته روایات، روایتی است که قصه را چنین تعریف کرده‌اند: خلیفه نزد امام علی (علیه السلام) به خواستگاری آمد، و آن حضرت فرموده دختر من هنوز کوچک است، عمر گفت: قول می‌دهم خوشبختش کنم، علی (علیه السلام) فرمود: او را نزد تو می‌فرستم، اگر پسندید حرفی ندارم، آنگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به بهانه فرستادن بُردی برای عمر، امّ کلثوم را به خانه عمر فرستاد، و عمر لباس ساق پای امّ کلثوم را کنار زد و ساق پای او را گرفت، و امّ کلثوم بر آشفت که اگر خلیفه نبود، دماغت را می‌شکستم و به خانه باز گشت.

نقل این اخبار چنان ساختگی و نفرت زاست که نمی‌تواند مورد قبول احدی واقع شود.

اولاً: علی علیه السلام دخترش را به بهانه بردن بُرد برای خلیفه او را نزد عمر می‌فرستد و عمر در موقعیت خلیفه مسلمین و فردی نامحرم دست به ساق پای او می‌زند، و بعد که ام‌کلثوم قضیه دست زدن عمر به ساق پایش را تعریف می‌کند، پدرش می‌گوید عیب ندارد او شوهر توست! دروغ‌پرداز این داستان یادش رفته است که در اول داستان گفته بود علی علیه السلام به عمر گفت او را پیش تو می‌فرستم تا نظرش را بدانم، پس هنوز ازدواجی در کار نبود، تا بعد از نقل رفتار خلیفه، بگوید عیب ندارد او شوهر توست. به علاوه، برای دانستن نظر دخترش باید حتماً او را به بهانه‌ای نزد عمر می‌فرستاد؟ طور دیگر نمی‌شد متوجه رأی و نظر دخترش شود؟ به اضافه، همه این تناقضات، از نظر اهل سنت پس زهد و عدالت خلیفه کجا رفته بود. با چشم‌پوشی از همه این تناقضات، میزان مهری که در این ازدواج روایت کرده‌اند، با روش عمر منافات دارد. مهر را از چهار هزار درهم تا چهل هزار درهم به تفاوت نقل کرده‌اند. تناقض آشکار این است که عمر خود بر منبر می‌گفت: مردم من شنیده‌ام مهر دختران خود را از مهر السنه یعنی ناصد درهم بیشتر قرار می‌دهید. هر کس بیشتر از مهر السنه را مهر دخترش نماید، مازاد از مهر السنه متعلق به بیت‌المال است. کسی که به عنوان خلیفه، مردم را این گونه موعظه می‌کند، چگونه است که مهر ام‌کلثوم را چهل هزار درهم قرار داده باشد؟! در این صورت، این سؤالها مطرح می‌شود که اولاً: مردم از خلیفه سؤال می‌کردند مگر این تو نبودی که به مردم دستور می‌دادی مهر دخترشان از مهر السنه بیشتر نباشد، و قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ** ۱ **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** ۲ ثانیاً خلیفه ساده زیست زاهد، این همه پول نداشته است، که مهریه ام‌کلثوم قرار دهد و به گواهی تاریخ نیز عمر خلیفه ریاضت کش سختگیری بوده است.

آنچه بی‌تردید از نقل این روایت می‌توان نتیجه گرفت، این است که اگر این ازدواج صورت نگرفته، برخی به تشابه همنام بودن دختر علی علیه السلام و همسر خلیفه (کلثوم) این داستان را ساخته‌اند.

البته اگر هم حقیقت داشته، افسانه زهد و عدالت‌مداری و تعصب و غیرت دینی

خلیفه را نسبت به نوامیس مسلمانها خدشه دار می کند.^۱ پس سرانجام این داستان دروغین با این همه تناقض آشکار در متن و محتوا راه به جایی نمی برد.

گرچه تا کنون به صورت پراکنده در مورد زندگانی و ازدواج عمر با ام کلثوم نویسندگان در کتابهای مختلف خود بدان پرداخته اند، اما درباره تحلیل کامل واقعه، با نقل اقوال موافق و مخالف و چگونگی وقوع آن، تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته و یا حداقل نگارنده این مقدمه نمی داند و بدان وقوف ندارد.

اما اینک جای بسی خرسندی است که بانوی فاضل و محقق ارجمند «راحله شاه مرادی زاده» که از ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت علیه السلام است، بر انجام تحقیق جامعی بر این واقعه همت گماشته، و تمام نظرات موافق و مخالف را از کتابهای معتبر اهل سنت و شیعه با ذکر سند و منبع در این تألیف وزین به نام «ام کلثوم، دختر آفتاب» گردآوری نموده و آماده طبع و نشر ساخته، و از زینب صغری علیها السلام دختر مظلومه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام دفاعی در خور شایسته کرده است، تا خوانندگان گرامی خود در مورد این موضوع داوری کنند.

رجاء واثق از درگاه ربوبی این است که خانواده عصمت و طهارت علیهم السلام، پاداش این تلاش خالصانه را روزی که «لا ینفع مال ولا بنون»^۲ با شفاعت خود جبران نمایند، و خانم شاه مرادی زاده را به مصاحبت زینب زهرا علیها السلام بپذیرند.
بار خدایا چنین باد.

محمدی مقدم

۸۸/۳/۱۸

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، حدیث ۱۰۷، برای عمر غیرتی فراتر از غیرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند.

۲- سوره شعرا (۲۶)، آیه ۸۸.

سخنی با خوانندگان

در گذشته، گذر زمان، بتدریج لایه‌ای از غبار فراموشی بر چهرهٔ انسانهای مشهور می‌نشاند. مطمئناً اگر بر این پدیدهٔ طبیعی، غرض ورزی، افترا و کینه توزی نیز افزوده گردد، آن وقت زدودن چنین عبا‌ری، حتی از چهره پاک و معصوم حضرت امّ کلثوم علیها السلام، دختر صدیقه کبری علیها السلام نیز بسیار دشوار خواهد بود.

متأسفانه در طول تاریخ هزار و چهارصد سالهٔ اسلام و تشیع، کم نبوده‌اند مسلمان‌نماهایی که از سر عناد و دشمنی با مولای متقیان علی علیه السلام، و به منظور خاموش کردن فریاد تظلّم خواهمی زهرای مرضیه علیها السلام؛ دست به قصه‌پردازی و تحریف در حقایق و وقایع زندگی این دو معصوم زده‌اند و حتی به ذریهٔ آنها نیز رحم نکرده‌اند، تا به خیال باطل خود، بر خطاها و ستمهای غاصبان خلافت و ولایت علوی خط بطلان بکشند و یاد و خاطرهٔ اشکهای دختر یگانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله را از ذهن محو نمایند؛ و پناه بر خدا که در این بیراهه فریب و نیرنگ تا کجاها که پیش روی نکرده‌اند!

آنها برای تخریب چهره حقیقی مولا علی علیه السلام، حتی به حفظ آبروی خلیفه خودشان نیز پایبند نبوده و وجههٔ ظاهری و اجتماعی دینی او را نیز مخدوش ساخته‌اند! اما از آنجا که یک پای دروغ همیشه می‌لنگد! دچار ضد و نقیض گویی و اختلاف نظرهای فراوانی دربارهٔ فرازهای زندگی امّ کلثوم علیها السلام شده‌اند، به اندازه‌ای که دیگر حتی خود آنها نیز قادر به تشخیص سره از ناسره نیستند.

به طور قطع، امّ کلثوم علیها السلام، بانوی مکرمه‌ای است که مانند خواهرش زینب کبری علیها السلام،

آغوش پرمهر پیامبر رحمت را تجربه کرده، در دامان عصمت مطلق پرورش یافته و در مکتب پاک علوی درس دینداری و استقامت را آموخته است تا وی نیز مانند زینب علیها السلام، مأمور به انجام رسالتی عظیم گردد و مانع مرگ تدریجی مبانی اسلام محمدی شود. او شیرزنی است که در هر برهه‌ای از زمان، یاور و مددکار امام و پیشوای زمان خویش است و با تمام توان خود از ارکان دین جدش، رسول خدا صلی الله علیه و آله صیانت و پاسداری نموده است.

گرچه دشمنان و معاندان علی مرتضی علیه السلام، برای مخدوش نمودن برگهای زرین دفتر زندگی این گوهری همشای بحر امامت، تلاشهای فراوانی به کار بسته‌اند، اما هر ضمیر حق جو و هر قلب پاکی که منصفانه به قضاوت نشیند، در می‌یابد که این بزرگ بانوی یکتا نیز جانبازی مخلص در راه تحقق بخشیدن به هدفهای رسالت والای محمدی صلی الله علیه و آله و حمایت از ولایت حق علوی بوده است.

به امید روزی که ما شیعیان نیز برای خشنودی قلب رثوف حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و شادی دل صدیقه اطهر علیها السلام، با پژوهش و تحقیق هر چه بیشتر درباره زندگی شریف این میوه قلب فاطمه علیها السلام، ابرهای سیاه دروغ و نیرنگ را از آسمان بی‌کران زندگی الهی او برانیم و از پرتو عنایت‌های بی‌شمارش بهره‌مند گردیم.

ان شاء الله... تعالی
 راجله شاهمرادی زاده